

Explaining Managerial Incentives for Earnings Manipulation Using Cumulative Prospect Theory

Fahime Ebrahimi 

Assistant Professor, Accounting
Dept., Jahrom University, Jahrom,
Iran

Mohammad Hossein Setayesh * 

Professor, Accounting Dept., Shiraz
University, Shiraz, Iran

Hamidreza Zareifard 

Assistant Professor, Statistics Dept.,
Jahrom University, Jahrom, Iran

Abstract


Prospect theory explains how individuals' feelings and preferences influence their decision-making. The purpose of this research was to investigate earnings manipulation incentives within companies listed in Tehran Stock Exchange using fourfold pattern of risk attitudes provided by the cumulative prospect theory. The period of this research was 6 years, from 2013 to 2018 and included 695 observations. Hypothesis testing using logistic regression, with the average competitor performance within the industry as the reference point, revealed a significant positive (vs. negative) effect of management's loss (vs. gain) estimates relative to the reference point on earnings manipulation. In other words, when management's estimate of the likelihood of loss relative to the reference point is high (vs. low), the likelihood of earnings manipulation increases (vs. decreases). Furthermore, when management's estimate of the likelihood of gain relative to the reference point is low (vs. high), the likelihood of earnings manipulation increases (vs. decreases). The findings of research also provided evidence for loss-aversion among managers. Therefore, the evidence suggests that the cumulative prospect theory can be utilized to explain managerial incentives for earnings manipulation.


Keywords: Prospect Theory, Cumulative Prospect Theory, Earnings Manipulation, Reference Point, Loss-aversion.


* **Corresponding Author:** setayesh@shirazu.ac.ir

How to Cite: Ebrahimi, F. ,setayesh,M. ,Zareifard, H (2021).Explaining Managerial Incentives for Earnings Manipulation Using Cumulative Prospect Theory. *Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly*, 70(18), 51-77

تبیین انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود از منظر تئوری چشم انداز تجمعی

فهیمة ابراهیمی  استادیار حسابداری، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران

محمدحسین ستایش * استاد حسابداری، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

حمیدرضا زارعی فرد  استادیار آمار، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران

چکیده

تئوری چشم انداز به دنبال تبیین چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روانشناختی افراد بر شیوه تصمیم گیری آنان است. هدف این پژوهش بررسی رفتار دستکاری سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک ارائه شده توسط تئوری چشم انداز تجمعی بود. دوره زمانی این پژوهش ۶ سال، از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ و شامل ۶۹۵ مشاهده بود. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک و با در نظر گرفتن میانگین عملکرد رقبا در صنعت به عنوان نقطه مرجع، بیانگر تأثیر مثبت و معنادار برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع و تأثیر منفی و معنادار برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع، بر دستکاری سود بود. به عبارت دیگر، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال پایین باشد، احتمال دستکاری سود پایین تر است. همچنین، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال بالا باشد، احتمال دستکاری سود پایین تر است. همچنین یافته های پژوهش بر زیان گریزی مدیران دلالت داشت. از این رو، شواهد بدست آمده بیانگر این است که می توان از تئوری چشم انداز تجمعی برای تشریح انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود بهره برد.

کلیدواژه ها: تئوری چشم انداز، تئوری چشم انداز تجمعی، دستکاری سود، نقطه مرجع، زیان گریزی.

مقدمه

رشد تجارت و تخصصی شدن امور در جهان امروز، موجب جدایی مدیریت از مالکیت شرکت‌ها گردیده است. صاحبان سرمایه، ثروت خود را به امید کسب بازده بیشتر در اختیار مدیران حرفه‌ای و آگاه قرار داده‌اند و به منظور کنترل و ارزیابی عملکرد آنها، پاسخگویی دوره‌ای را در چارچوب گزارش‌های مالی الزامی نموده‌اند. صورت سود و زیان یکی از صورت‌های مالی است که بخش عظیمی از نیاز اطلاعاتی صاحبان ثروت را تأمین می‌سازد. با توجه به تأکید سهامداران به ارقام سود فشار زیادی بر مدیران شرکت جهت دستیابی به سود هدف وارد می‌گردد. این فشار، انگیزه مدیران جهت دستکاری سود را افزایش می‌دهد (صدر اصفهانی و ثقفی، ۱۳۹۱). دستکاری سود به عنوان یک رفتار مدیریتی مبتنی بر ریسک در سال‌های اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته است. دستکاری سود اقدامات نقض‌کننده اصول پذیرفته شده حسابداری توسط مدیریت برای ارائه عملکرد مالی شرکت در جهت تأمین منافع وی است (Beneish, 1999). اعتماد زیاد به ارقام حسابداری انگیزه قوی برای مدیران ایجاد می‌کند تا سود را به نفع خود دستکاری کنند. انگیزه مدیران برای دستکاری سود ممکن است ناشی از نگرانی در خصوص امنیت شغلی، توافقات قراردادی میان مدیران و ذینفعان خارجی، منافع شخصی در برنامه‌های پاداش یا حتی دستیابی به سود پیش‌بینی شده و برآورده ساختن انتظارات بازار باشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷). این رفتار مدیریتی که می‌تواند به پیامدهای نامطلوبی از جمله از دست دادن اعتماد سرمایه‌گذاران، آسیب شهرت، جریمه‌های بالقوه، کاهش قابلیت سودآوری آتی و زیان ناشی از عدم اطمینان بازار گردد (پورحیدری و سمیعی‌نژاد، ۱۳۹۴)، به عنوان ابزار مدیریتی پرریسک برای بهبود ظاهر مالی شرکت مطرح می‌شود و با تمایل مدیریت برای پذیرش ریسک مرتبط است. اکثر پژوهش‌های پیشین انجام شده در حوزه رفتارهای مبتنی بر ریسک مدیران، دستکاری سود را از دیدگاه تئوری نمایندگی مورد بررسی قرار داده‌اند. مطابق با این تئوری، نمایندگان (برای مثال، مدیران اجرایی رده بالا) هنگام اتخاذ تصمیمات مبتنی بر ریسک، به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت خود بوده و ریسک‌گریز هستند. با این

وجود شواهد بسیاری بیانگر این است که تئوری مطلوبیت مورد انتظار که اولین بار توسط نیومن و مورگنسترن^۱ (۱۹۴۴) مطرح شد، قادر نیست که رفتار افراد را به هنگام تصمیم‌گیری در شرایط وجود ریسک تشریح کند و اگرچه این تئوری به عنوان موضوعی جذاب در اقتصاد کمی نقش به‌سزایی را ایفا می‌نماید، اما شواهد تجربی زیادی در طول زمان دیده شدند که کارایی آن را نقض کرده و این تئوری در پیش‌بینی سیستماتیک رفتارهای انسانی در تصمیم‌گیری‌ها، مخصوصاً در شرایط وجود ریسک چندان موفق نبوده است. به همین دلیل کانمن و تورسکی با ارائه شواهد تجربی از عدم کارایی تصمیم‌گیری‌های عقلایی، کوشیدند رفتار واقعی تصمیم‌گیران را بر اساس اصول روانشناسی تبیین کنند (Barberis, 2013). تلاش‌های این دو در راستای توسعه مباحث رفتاری در تصمیم‌گیری، به ارائه تئوری چشم‌انداز انجامید. تئوری چشم‌انداز ساده و تئوری توسعه داده شده چشم‌انداز با عنوان تئوری چشم‌انداز تجمعی توسط کانمن و تورسکی^۲ در سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۹۲ ارائه شدند.

تئوری چشم‌انداز به دنبال تبیین چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روانشناختی افراد بر شیوه تصمیم‌گیری آنان است. به عبارت دیگر این الگو نشان می‌دهد که چگونه افراد در بعضی مواقع به طور سیستماتیک اصل مطلوبیت، که یکی از اصول پایه و مترقی دیدگاه مکاتب عقلایی در دیدگاه انسان اقتصادی است، را نادیده می‌گیرند و بر خلاف اصول عقلایی رفتار می‌کنند. تابع مطلوبیت تصمیم‌گیرنده در تئوری چشم‌انداز حالت S شکل دارد، به طوری که در نقاط مختلف این تابع، رفتارهای تصمیم‌گیری متفاوت است (Pompian, 1963).

تئوری چشم‌انداز تجمعی الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک را بدین گونه پیش‌بینی می‌کند که افراد در شرایط وجود احتمال بالای زیان، ریسک‌پذیر و در شرایط وجود احتمال پایین زیان ریسک‌گریز هستند. همچنین، در شرایط وجود احتمال پایین سود، ریسک‌پذیر و در شرایط وجود احتمال بالای سود ریسک‌گریز هستند. مطابق با این

1- Neumann & Morgenstern

2- Kahneman & Tversky

تئوری، سود یا زیان نسبت به نقطه مرجع ارزیابی می‌شود (Tversky & Kahneman, 1992). نظر به اینکه دستکاری سود به عنوان یک رفتار مبتنی بر ریسک در نظر گرفته می‌شود، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال است که: " آیا دستکاری سود از الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک پیش‌بینی شده توسط تئوری چشم‌انداز تجمعی پیروی می‌کند؟ ". از این رو، هدف این پژوهش پرداختن به رفتار دستکاری سود از دیدگاه تئوری رفتاری چشم‌انداز تجمعی است. این پژوهش با استفاده از مفاهیم مطرح شده در حوزه روانشناسی و اقتصاد رفتاری و با مطرح کردن دستکاری سود توسط مدیران به عنوان یک رفتار مبتنی بر ریسک منجر به گسترش دانش در حوزه ادبیات دستکاری سود می‌گردد و بر اهمیت کاربرد تئوری چشم‌انداز در حسابداری دلالت دارد.

به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، نخست به بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش و فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود؛ سپس روش‌شناسی پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد. در پایان نیز یافته‌های پژوهش و نتیجه‌گیری و بحث ارائه می‌شود.

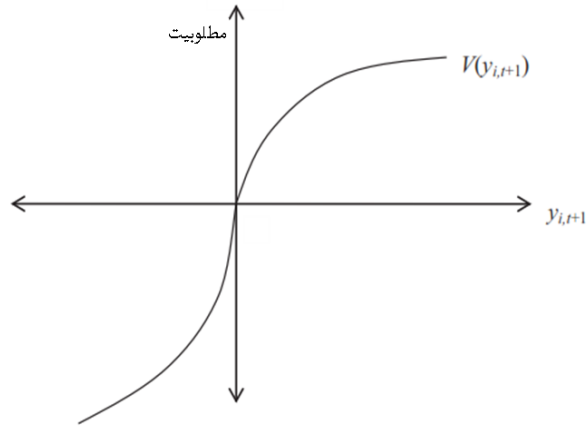
مبانی نظری و مروری بر مطالعات گذشته

سال‌ها است که بحث تصمیم‌گیری و قضاوت افراد در شرایط وجود ریسک یکی از موضوعات پرطرفدار در میان پژوهشگران است. نظریه مطلوبیت مورد انتظار که در اقتصاد نئوکلاسیک مطرح می‌شود بیانگر این است که تصمیم‌گیرندگان گزینه‌های مختلف را بر حسب مطلوبیت مورد انتظار رتبه‌بندی می‌کنند. مطابق با این تئوری اگر فردی مطلوبیت مورد انتظار خود را بیشینه نماید و تابع مطلوبیت وی در همه وضعیت‌های ممکن برای وقوع یکسان باشد، در حالت ریسک‌گریزی تابع مطلوبیت مقعر و در حالت ریسک‌پذیری تابع مطلوبیت محدب خواهد بود. بر اساس این تئوری در صورتی که هر اقدام بالاترین ارزش مورد انتظار آتی را داشته باشد انتخاب می‌گردد (سعیدی و فرهانیان، ۱۳۹۰). پژوهش‌های پیشین در حوزه تئوری نمایندگی عموماً یک تابع مقعر برای مدیران فرض می‌کنند و مدیر را شخصی ریسک‌گریز در نظر می‌گیرند (نمازی، ۱۳۸۴).

در نیمه دوم قرن بیستم مباحث بسیاری در انتقاد از تئوری مطلوبیت مورد انتظار مطرح گردید و شدت گرفتن مجادلات اقتصاددانان باعث گردید علاقه‌مندان روانشناسی در این خصوص پژوهش‌هایی انجام دهند. سرانجام در سال ۱۹۷۹ کانمن و تورسکی مقاله‌ای با عنوان "تئوری چشم‌انداز: تجزیه و تحلیل تصمیم تحت شرایط ریسک" منتشر کردند که امروزه از آن به عنوان اولین اثر مدون در مالی رفتاری یاد می‌شود. این مقاله با انتقاد از تئوری مطلوبیت مورد انتظار مدل جایگزینی به نام تئوری چشم‌انداز را معرفی کرد. در سال ۱۹۹۲ تورسکی و کانمن با تغییر اندکی در ساختار این تئوری به منظور بهبود تبیین تصمیم‌گیری در شرایط ریسک، تئوری چشم‌انداز تجمعی را ارائه کردند. تئوری چشم‌انداز تجمعی بیانگر ترجیحاتی است که به وسیله یک تابع ارزش وابسته به نقطه مرجع، پیامدها را به مطلوبیت‌ها مرتبط می‌کند و در آن پیامدها نسبت به نقطه مرجع به صورت سود یا زیان در نظر گرفته می‌شوند (Tversky & Kahneman, 1992).

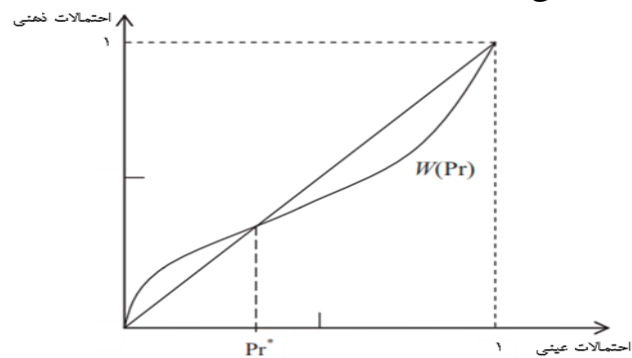
به منظور تبیین رفتار دستکاری سود در مدیران از منظر تئوری چشم‌انداز، در صورتی که عملکرد واقعی شرکت i در دوره $t+1$ ، $P_{i,t+1}$ و نقطه عملکرد مرجع $P_{i,t+1}^r$ (میانگین عملکرد رقبا در صنعت) باشد و $y_{i,t+1}$ برابر با $P_{i,t+1} - P_{i,t+1}^r$ در نظر گرفته شود، زیان مرجع یا سود مرجع در دوره $t+1$ زمانی اتفاق می‌افتد که به ترتیب $y_{i,t+1} < 0$ یا $y_{i,t+1} > 0$ باشد، همچنین در نقطه مرجع $y_{i,t+1} = 0$ است. تابع ارزش وابسته به نقطه مرجع، $V(y_{i,t+1})$ ، همانطور که در شکل شماره ۱ نشان داده شده است برای ناحیه سود مقعر و برای ناحیه زیان محدب و دارای شیب بیشتر است. به بیان دیگر زیان بیشتر از سود در نظر افراد نمودار می‌شود و همین مفهوم بیانگر زیان‌گریزی افراد است. شکل تابع ارزش بیانگر این است که مدیران در ناحیه سود، ریسک‌گریز و در ناحیه زیان ریسک‌پذیر هستند.

شکل ۱. تابع ارزش، اقتباس از کانمن و تورسکی، ۱۹۷۹



در سال ۱۹۹۲، تورسکی و کانمن تابع وزن‌دهی به احتمالات، $W(Pr)$ ، را که در شکل شماره ۲ نشان داده شده است، معرفی کردند. مطابق با این تابع که به شکل S معکوس است تصمیم‌گیرندگان تحت شرایط ریسک به وقایع دارای احتمال کم، وزن بیشتر داده و آن را بیشتر تخمین می‌زنند و به وقایع با احتمال بالا، وزن کمتری می‌دهند و آن را کمتر تخمین می‌زنند. این در حالی است که مطابق با تئوری مطلوبیت مورد انتظار رابطه بین احتمالات عینی و احتمالات ذهنی کاملاً خطی است (Tversky & Kahneman, 1992).

شکل ۲. تابع وزن‌دهی به احتمالات، اقتباس از تورسکی و کانمن، ۱۹۹۲



تورسکی و کانمن (۱۹۹۲) معتقدند که بر اساس توابع ارزش و وزن‌دهی به احتمالات، چهار الگوی تصمیم‌گیری تحت شرایط ریسک وجود دارد:

- ۱) تصمیم‌گیرندگان در شرایط وجود احتمال پایین زیان، ریسک‌گریزند.
- ۲) تصمیم‌گیرندگان در شرایط وجود احتمال بالای زیان، ریسک‌پذیرند.
- ۳) تصمیم‌گیرندگان در شرایط وجود احتمال بالای سود، ریسک‌گریزند.
- ۴) تصمیم‌گیرندگان در شرایط وجود احتمال پایین سود، ریسک‌پذیرند.

از این رو، با توجه به مطالب بیان شده، انتظار بر این است که احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر باشد و در شرایطی که این احتمال پایین برآورد شود، احتمال دستکاری سود پایین‌تر باشد. همچنین، انتظار بر این است که در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، احتمال دستکاری سود بالا باشد و در شرایطی که این احتمال را بالا برآورد کند، احتمال دستکاری سود پایین باشد.

پیشینه پژوهش

مصلح شیرازی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی الگوی تصمیم‌گیری مدیران صنایع استان فارس با استفاده از تئوری چشم‌انداز و نگرش رفتاری پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که نقش الگوی رفتاری در تصمیم‌گیری که بر اساس شاخص تغییر حساسیت سود و زیان در تئوری چشم‌انداز ارزیابی می‌شود، بسیار مهم است؛ به طوری که این تغییر حساسیت در منطقه زیان نسبت به منطقه سود بیشتر است. همچنین، مطلوبیت کاهش زیان برای مدیران بیشتر از افزایش سود است؛ به طوری که نمونه مورد بررسی حساسیت بیشتری نسبت به کاهش زیان در مقایسه با افزایش سود دارد.

مهدوی و رضالویی (۱۳۹۵) به بررسی انگیزه مدیریت سود توسط مدیران برای جلوگیری از گزارش زیان و کاهش سود و کاربرد نظریه چشم‌انداز برای تشریح انگیزه‌های آن پرداختند. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. با این حال شواهدی

مؤید انگیزه‌های مدیران برای مدیریت سود به منظور جلوگیری از کاهش سود به دست نیامد. همچنین شواهد به دست آمده نشان داد که می‌توان از نظریه چشم‌انداز به منظور تشریح دلایل مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان استفاده کرد.

رهروی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا انگیزه‌های مدیران برای استفاده از روش‌هایی با خطر بالای تقلب در تهیه گزارش‌ها، از الگویی که توسط نظریه چشم‌انداز تجمعی ارائه شده است پیروی می‌کند یا خیر؟. در این پژوهش ابتدا با تمرکز بر تجزیه و تحلیل متن گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجمع و با استفاده از دو روش داده‌کاوی شامل یک روش مبتنی بر درخت تصمیم و یک روش مبتنی بر آموزش ماشین، شاخصی برای ارزیابی و تشخیص خطر تقلب در گزارش‌های هیأت‌مدیره تعیین شد که دقتی بیش از ۹۰٪ دارد. سپس با استفاده از شاخص مذکور، نتایج نشان‌دهنده عدم انطباق انگیزه‌های تقلب مدیران در ایران، با نظریه چشم‌انداز تجمعی است. عبداللهی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی هویت سازمانی بر رابطه بین پاداش مدیران مالی و دستکاری سود پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل مدیران مالی ۷۶ شرکت حاضر در پنج صنعت خودرو و ساخت قطعات، ماشین‌آلات و تجهیزات، ماشین‌آلات و دستگاه برقی، فلزات اساسی و همچنین ساخت محصولات فلزی در بورس اوراق بهادار تهران در سال ۱۳۹۷ بود. یافته‌ها حاکی از آن است که پاداش مدیران بر دستکاری سود تأثیر مثبت و هویت سازمانی بر دستکاری سود اثر منفی دارد. همچنین هویت سازمانی، اثر مثبت پاداش بر دستکاری سود را تعدیل کرده و شدت این اثر را تضعیف می‌کند.

شن و چی^۱ (۲۰۰۵) مدیریت سود را در صنعت بانکداری ۴۸ کشور بررسی کردند. یافته‌های آنها نشان داد که ۶۷٪ از بانک‌های مورد بررسی سود خود را مدیریت می‌کنند. همچنین شواهد ارائه شده به وسیله آنها کاربرد تئوری چشم‌انداز را برای تشریح انگیزه مدیریت سود تأیید کرد.

فانگ^۱ (۲۰۱۵) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های امریکایی به شواهدی از کاربرد تئوری چشم‌انداز تجمعی در تبیین انگیزه‌های مدیریتی برای گزارشگری مالی متقلبانه دست یافت. مطابق با این یافته‌ها رخداد تقلب به صورت مثبتی در رابطه با برآورد مدیریت از احتمال زیان نسبت به نقطه مرجع و به صورت منفی در رابطه با برآورد مدیریت از احتمال سود نسبت به نقطه مرجع قرار دارد.

واسیوزامان و همکاران^۲ (۲۰۱۵) شواهدی از اعمال مدیریت سود در شرکت‌های مالزی به طور کلی بدست آوردند، در حالی که بررسی صنایع به صورت مجزا بیانگر این است که مدیریت سود در بعضی از صنایع در تمام سال‌های مورد بررسی اعمال نمی‌شود. همچنین انگیزه مدیریت سود در صنایع مختلف، متفاوت است. افزون بر این، در حالی که به طور کلی تئوری چشم‌انداز قادر به توضیح انگیزه‌های مدیریت سود است اما با در نظر گرفتن یک صنعت خاص این تئوری قادر به توضیح انگیزه‌های مدیریت سود در همه صنایع نیست.

پترو و پروکوپو^۳ (۲۰۱۶) با استفاده از نمونه‌ای از شرکت‌های امریکایی به این نتیجه رسیدند که رابطه منفی و معناداری بین مالکیت مدیرعامل و دستکاری سود وجود دارد. آنها معتقدند که تئوری چشم‌انداز، که بیانگر زیان‌گریزی افراد است، می‌تواند این رابطه منفی را تبیین نماید. مطابق با این تئوری، دستکاری سود می‌تواند دربرگیرنده زیان شخصی بالقوه برای مدیرعامل باشد که منجر به عدم تمایل مدیریت برای دستکاری سود می‌گردد. چو و همکاران^۴ (۲۰۱۹) با بررسی نمونه‌ای از شرکت‌های امریکایی به این نتیجه رسیدند که یکی از انگیزه‌های مدیران شرکت‌ها، الزام به حفظ شهرت در دستیابی به انتظارات تجزیه و تحلیل‌کنندگان بازار سرمایه است.

چو و همکاران^۵ (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر آلودگی هوا بر اخلاق تجاری از دیدگاه دستکاری سود پرداختند. آنها با استفاده از نمونه‌ای از کشورهای چینی و یک شاخص کیفیت هوای

1- Fung

2- Wasiuzzaman et al.

3- Petrou & Procopiou

4- Chu et al.

5- Cho et al.

جامع به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی که در شهرهای با آلودگی هوای شدیدتر مستقر هستند دارای سطوح بالاتری از معوقات اختیاری هستند و با احتمال بیشتر صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه می‌نمایند؛ به عبارت دیگر آلودگی هوا منجر به دستکاری بالاتر سود می‌گردد.

اسوابوا^۱ (۲۰۲۱) با به کارگیری روش‌های چندگانه به تعیین شرکت‌های دستکاری کننده سود پرداخت. این روش‌های چندگانه عبارتند از: مدل بنیش (۱۹۹۹) و همچنین مدل بنیش تعدیل شده برای شرکت‌های اسلواکی و مدل تمایل شرکت به دستکاری سود. دیدگاه وی این بود که اگر همه روش‌های به کار رفته بیانگر دستکاری سود باشند احتمال اینکه شرکت واقعاً سود را دستکاری کرده، بیشتر است.

بررسی مطالعات پیشین بیانگر این است که تاکنون در ایران پژوهشی به تبیین پدیده دستکاری سود از منظر تئوری چشم‌انداز تجمعی نپرداخته است. از این رو، انتظار بر این است که پرداختن به این موضوع، منجر به گسترش دانش در حوزه دستکاری سود، رفتارهای مبتنی بر ریسک، پژوهش‌های رفتاری در حسابداری و کاربردهای تئوری چشم انداز تجمعی گردد.

فرضیه‌های پژوهش

همانطور که در قسمت مبانی نظری و پیشینه پژوهش اشاره شد، تئوری چشم‌انداز تجمعی با در نظر گرفتن دستاوردی از روانشناسی یعنی میل به زیان‌گریزی در افراد ابهامات بسیاری را در مورد توان تبیین تئوری مطلوبیت مورد انتظار مطرح کرد. بر اساس مفهوم زیان‌گریزی، همه افراد می‌توانند در بعضی لحظات، برخوردار از حس ریسک‌گریزی و گاهی ریسک‌پذیر باشند و عموماً هنگامی که پای زیان در میان است، روحیه زیان‌گریزانه باعث می‌شود که ریسک‌پذیری افزایش یابد و هنگامی که پای منفعت در میان است تمایل بر این است که کمترین میزان عایدی و سود از دست رود؛ به همین علت تصمیمات ریسک‌گریزانه‌ای اتخاذ می‌گردد (Takemura, 2019). بر این اساس تورسکی و کانمن (۱۹۹۲) با در نظر گرفتن دو حالت دستیابی به سود و وقوع زیان و همچنین دو حالت کم

محتمل و بیش محتمل چهار الگوی تصمیم‌گیری تحت شرایط ریسک ارائه دادند. از این رو، مطابق با این الگوی تصمیم‌گیری فرضیه‌هایی به شرح زیر به منظور بررسی انگیزه رفتاری مدیران در دستکاری سود تدوین شد:

فرضیه اول: احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال پایین باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است.

فرضیه دوم: احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال بالا باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است.

روش

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان و همچنین برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود بر دستکاری سود است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و رابطه مورد آزمون در آن از نوع همبستگی است.

جامعه آماری پژوهش

دوره زمانی این پژوهش ۶ سال، از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۷ است. برای محاسبه برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقا در صنعت، به اطلاعات سال $t+1$ نیاز بوده و از این رو قلمرو زمانی این پژوهش به یک دوره ۵ ساله از سال ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ محدود شده است. جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. شرکت‌های مورد بررسی بر اساس معیارهای زیر انتخاب شده‌اند:

۱- دوره مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و طی دوره مورد بررسی، تغییر سال مالی نداشته باشند؛

۲- جز صنعت بانک‌ها و مؤسسات مالی نباشند؛

۳- کلیه اطلاعات مالی و غیرمالی مورد نیاز در دسترس باشد. معیارهای ۱ و ۲ به منظور افزایش قابلیت مقایسه، ایجاد یکنواختی بیشتر و جلوگیری از تحریف نتایج آماری در نظر گرفته شده است. شرکت‌های زیرمجموعه صنعت بانک‌ها و مؤسسات مالی نیز به دلیل ماهیت خاص فعالیت آن‌ها، از جامعه آماری حذف شدند. با توجه به معیارهای ذکر شده و مطابق با جدول ۱، تعداد ۱۳۹ شرکت شامل ۶۹۵ مشاهده در دوره زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۶ برای انجام این پژوهش انتخاب شده است.

جدول ۱. نحوه گزینش شرکت‌های مورد بررسی

ردیف	شرح	تعداد
۱	جامعه آماری در تاریخ جمع‌آوری اطلاعات	۳۹۴
۲	حداقل از ابتدای سال مالی ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده نباشند. (۷۷)	
۳	سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه نباشد. (۵۲)	
۴	جزء بانک‌ها و مؤسسات مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و مؤسسات بیمه که ساختار گزارشگری جداگانه‌ای دارند، باشند. (۶۲)	
۵	اطلاعات آن‌ها در دسترس نباشد. (۶۴)	
	شرکت‌های مورد بررسی	۱۳۹

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

این پژوهش از نوع پژوهش‌های شبه تجربی و پس‌رویدادی است و با استفاده از اطلاعات گذشته انجام می‌شود. برای گردآوری اطلاعات نظری پژوهش از نشریات و کتب و پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل، از اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌ها استخراج شده است. به این منظور بخش عمده‌ای از اطلاعات از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایر اطلاعات نیز از سامانه اطلاع‌رسانی ناشران کدال استخراج شده است. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزارهای R نسخه ۳,۵,۰ و اکسل نسخه ۲۰۱۹، به عنوان ابزار تجزیه و تحلیل برای آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیون ترتیبی با تابع اتصال پروبیت و رگرسیون

لجستیک باینری استفاده شده است. همچنین پارامترهای مدل با استفاده از روش ماکسیمم درستنمایی برآورد شده است.

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش متغیر دو وجهی دستکاری سود است که در صورت دستکاری سود توسط مدیریت عدد "یک" و در غیر این صورت عدد "صفر" را اختیار می‌کند. این متغیر با استفاده از مدل ارائه شده توسط رحیمیان و حاجی حیدری (۱۳۹۸) محاسبه شده است:

$$P = 1 / (1 + e^{-3/42 * EQ/TA + 0/595 * SAL/TA}) \quad (1)$$

مطابق با این مدل احتمال دستکاری سود بین صفر تا یک قرار دارد. اگر P بزرگ‌تر از ۰/۵ باشد، دستکاری سود وجود داشته و در غیر این صورت دستکاری سود وجود ندارد. نسبت‌های به کار رفته در مدل فوق عبارتند از: حقوق صاحبان سهام به مجموع دارایی‌ها و فروش به مجموع دارایی‌ها.

متغیر مستقل

متغیر مستقل این پژوهش برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت است. به منظور سنجش این متغیرها از متغیر شاخص $I_{i,t+1}$ استفاده شده است. در صورتی که عملکرد شرکت، که به وسیله ROA اندازه‌گیری می‌شود، در دوره $t+1$ ، $P_{i,t+1}$ باشد و $P_{i,t+1}^r$ (عملکرد مرجع) به عنوان میانگین عملکرد رقبا در صنعت در دوره $t+1$ در نظر گرفته شود، عملکرد نسبی عبارت است از $y_{i,t+1} = P_{i,t+1} - P_{i,t+1}^r$. عبارت $y_{i,t+1}$ می‌تواند منفی، صفر یا مثبت باشد. بنابراین

متغیر شاخص $I_{i,t+1}$ به گونه‌ای تعریف می‌شود که احتمالات $y_{i,t+1} = 0$ ، $y_{i,t+1} < 0$ و $y_{i,t+1} > 0$ در دوره $t+1$ به ترتیب به وسیله $Pr(I_{i,t+1} = 1)$ ، $Pr(I_{i,t+1} = 2)$ و $Pr(I_{i,t+1} = 3)$ تعیین می‌شود.

در هر دوره t ، عملکرد شرکت i در دوره $t+1$ نامعلوم بوده و دارای سه پیامد ممکن است؛ زیان نسبت به نقطه مرجع، حالت سر به سر به نسبت به نقطه مرجع و سود نسبت به نقطه مرجع. مطابق با فانگ (۲۰۱۵) فرض بر این است که عملکرد در دوره $t+1$ بستگی به یک متغیر پنهان $x_{i,t+1}$ دارد که تابعی از عملکرد نسبی شرکت i در دوره t ($y_{i,t}$) و فرصت‌های رشد است.

$$x_{i,t+1} = F(y_{i,t}, Growth_{i,t}, u_{i,t+1}) \quad (۲)$$

دلیل استفاده از دو متغیر عملکرد نسبی ($y_{i,t}$) و فرصت‌های رشد در معادله بالا این است که مطابق با پژوهش‌های پیشین، انتظار تصمیم‌گیرندگان از سود یا زیان بالقوه به میزان زیادی از تاریخچه عملکرد خود شرکت تأثیر می‌پذیرد؛ به ویژه این موضوع در مورد تصمیم‌گیرندگان آگاه و مطلع مصداق دارد. همچنین رشد شرکت که به وسیله نسبت Q - توبین مورد سنجش قرار گرفته است، در انتظارات تصمیم‌گیرندگان از سود یا زیان آتی نقش مهمی ایفا می‌کند.

در ادامه به منظور سنجش برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت از روش رگرسیون ترتیبی با تابع اتصال پروبیت به شکل زیر استفاده شد:

$$\begin{aligned} \text{اگر } x_{i,t+1} \leq c_1 \text{ آنگاه } I_{i,t+1} = 1 \text{ زیان نسبت به مرجع} \\ (۳) \text{ اگر } c_1 < x_{i,t+1} < c_2 \text{ آنگاه } I_{i,t+1} = 2 \text{ سر به سر مرجع} \\ \text{اگر } x_{i,t+1} \geq c_2 \text{ آنگاه } I_{i,t+1} = 3 \text{ سود نسبت به مرجع} \end{aligned}$$

C_1 و C_2 سطوح آستانه‌ای هستند که تخمین زده می‌شوند.

متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل دیگر عوامل احتمالی مؤثر بر دستکاری سود مطابق با پژوهش‌های پیشین (دیانتی دیلمی و ملک محمدی، ۱۳۹۲؛ مقدم و قدردان، ۱۳۹۸؛ ولیان و همکاران، ۱۳۹۸) از متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، مالکیت نهادی و استقلال هیأت مدیره به عنوان متغیر کنترلی استفاده شده است. به منظور سنجش اندازه شرکت از لگاریتم طبیعی فروش و برای سنجش اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها استفاده شد. مالکیت نهادی عبارتست از مجموع سهام تحت تملک بانک‌ها و بیمه‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سازمان‌ها و نهادهای دولتی تقسیم بر کل سهام منتشر شده شرکت (ولیان و همکاران، ۱۳۹۸). استقلال هیأت مدیره نیز عبارتست از نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره تقسیم بر کل اعضای هیأت مدیره (دیانتی دیلمی و ملک محمدی، ۱۳۹۲).

مدل پژوهش

به منظور آزمون فرضیات پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک باینری زیر استفاده شده است:

$$R_{i,t} = \alpha + \beta_1 Pr(I_{i,t+1} = 1) + \beta_2 Pr(I_{i,t+1} = 3) + \beta_3 Size + \beta_4 Lev + \beta_5 Inst + \beta_6 IndB + v_i + \varepsilon_{i,t} \quad (4)$$

که در آن:

$R_{i,t}$: متغیر دو وجهی دستکاری سود است که در صورت دستکاری سود توسط مدیریت عدد "یک" و در غیر این صورت عدد "صفر" را اختیار می‌کند.

$Pr(I_{i,t+1} = ۱)$: برآورد مدیر از احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت؛

$Pr(I_{i,t+1} = ۳)$: برآورد مدیر از احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت؛

$Size$: اندازه شرکت؛

Lev : اهرم مالی؛

$Inst$: مالکیت نهادی؛

$IndB$: استقلال هیأت مدیره؛

v_i : اثر تصادفی؛

$\varepsilon_{i,t}$: نوفه سفید.

در مدل فوق، در صورتی که $\beta_1 > 0$ و $\beta_2 < 0$ و معنادار باشند فرضیه اول و دوم پذیرفته می‌شود. ویژگی زیان‌گریزی تئوری چشم‌انداز تجمعی نیز دلالت بر $|\beta_1| > |\beta_2|$ دارد.

یافته‌ها

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آماره‌های توصیفی متغیرهای مطالعه شامل میانگین، میانه، کمینه، بیشینه، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی محاسبه و در جدول شماره ۲ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود متغیرهای عملکرد نسبی و اندازه شرکت به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میانگین و انحراف معیار هستند. همچنین نتایج مربوط به ضریب چولگی بیانگر این است که متغیرها توزیع متقارنی دارند.

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
عملکرد نسبی در سال t	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۴	-۰/۲۹۷	۰/۳۴۳	۰/۰۸۳	۰/۴۳۸	۲/۲۶۶
عملکرد نسبی در سال t+۱	-۰/۰۰۴	-۰/۰۰۴	-۰/۵۵۴	۰/۷۴۴	۰/۰۹۲	۰/۷۹۶	۹/۶۴۴
فرصت‌های رشد	۱/۲۴۸	۱/۱۱۶	۰/۲۷۸	۳/۵۶۸	۰/۵۵۹	۱/۳۴۰	۲/۱۶۷
اندازه شرکت	۵/۸۶۶	۵/۷۴۸	۳/۹۷۶	۸/۵۶۴	۰/۶۷۶	۱/۰۰۶	۲/۱۵۰
اهرم مالی	۰/۶۲۱	۰/۶۲۰	۰/۱۴۸	۱/۶۴۸	۰/۱۹۵	۰/۵۳۸	۱/۸۴۳
مالکیت نهادی	۰/۴۲۵	۰/۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	۰/۳۴۷	۰/۱۷۷	-۱/۵۰۵
استقلال هیأت مدیره	۰/۵۳۶	۰/۶۰۰	۰/۰۰۰	۱/۰۰۰	۰/۲۲۲	-۰/۵۹۸	۰/۰۶۵

در ادامه، مشاهدات $y_{i,t+1}$ در سه دسته زیان نسبت به نقطه مرجع ($I_{i,t+1} = 1$)، حالت سر به سری نسبت به نقطه مرجع ($I_{i,t+1} = 2$) و سود نسبت به نقطه مرجع ($I_{i,t+1} = 3$) قرار گرفتند. برای تخمین سطوح آستانه‌ای مطابق با فانگ (۲۰۱۵) از چندک‌ها استفاده شد. با محاسبه چندک‌ها برای مشاهدات $y_{i,t+1}$ ، نقاط برش $a_1 = -۰/۰۶۶$ و $a_2 = ۰/۰۱۹$ معین شد که در نتیجه ۲۲ درصد از مشاهدات $y_{i,t+1}$ در دسته زیان نسبت به مرجع (کمتر از a_1)، ۴۳ درصد در دسته حالت سر به سری نسبت به نقطه مرجع (بین a_1 و a_2) و ۳۵ درصد در دسته سود نسبت به نقطه مرجع (بیش از a_2) قرار گرفتند. سپس به منظور سنجش برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(I_{i,t+1} = 1)$)، احتمال رخ دادن حالت سر به سری ($Pr(I_{i,t+1} = 2)$) و احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت ($Pr(I_{i,t+1} = 3)$)، از مدل ۲ و مدل ۳ استفاده شد. ضرایب تخمین زده شده مدل ۲ در مدل زیر ارائه شده است:

$$x_{i,t+1} = 24/789 * y_{i,t} + 0/591 * Growth \quad (5)$$

سطوح آستانه‌ای تخمین زده شده مربوط به مدل ۳ نیز عبارت است از: $c_1 = -1/460$ و $c_2 = 1/495$. لازم به ذکر است که همه پارامترهای این مدل در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار هستند.

جدول شماره ۳، آماره‌های توصیفی مربوط به احتمالات تخمین زده شده وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت $Pr(I_{i,t+1} = 1)$ و دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت $Pr(I_{i,t+1} = 3)$ را با استفاده از مدل ۵ نشان می‌دهد.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به احتمالات تخمین زده شده

نام متغیر	میانگین	میانه	کمینه	بیشینه	انحراف معیار
برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان $Pr(I_{i,t+1} = 1)$	۰/۲۱۳	۰/۱۱۴	۰/۰۰۰	۰/۹۹۲	۰/۲۳۷
برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود $Pr(I_{i,t+1} = 3)$	۰/۳۵۲	۰/۲۸۷	۰/۰۰۴	۰/۹۹۹	۰/۲۹۰

در ادامه به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش مطابق با مدل ۴ پژوهش از روش رگرسیون لجستیک باینری استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها در جدول شماره ۴ ارائه شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، ضریب، آماره Z و معناداری مربوط به متغیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت $Pr(I_{i,t+1} = 1)$ بیانگر تأثیر مثبت و معنادار این متغیر بر دستکاری سود است. از این رو، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۰٪ پذیرفته می‌شود. ضریب، آماره Z و معناداری مربوط به متغیر برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت $Pr(I_{i,t+1} = 3)$ نیز بیانگر تأثیر منفی و معنادار این متغیر بر دستکاری سود است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش نیز در سطح اطمینان ۹۰٪ پذیرفته می‌شود. همانطور

که ملاحظه می‌گردد ضریب متغیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان از قدرمطلق ضریب متغیر برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود بیشتر است که بر ویژگی زیان‌گریزی تئوری چشم‌انداز تجمعی دلالت دارد.

ضرایب، آماره Z و معناداری مربوط به متغیرهای کنترلی بیانگر تأثیر منفی و معنادار اندازه شرکت، اهرم مالی و استقلال هیأت مدیره و تأثیر مثبت و معنادار مالکیت نهادی بر دستکاری سود است.

نتایج حاصل از بررسی معناداری مدل کلی پژوهش با استفاده از آزمون ANOVA بیانگر این است که مدل برازش یافته در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. همچنین مطابق با جدول ۴، شاخص تورم واریانس کمتر از ۵ بیانگر این است که بین متغیرهای مستقل و کنترلی مدل هم‌خطی چندگانه معناداری وجود ندارد.

جدول ۴. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها

نام متغیر	ضریب	آماره Z	معناداری	شاخص تورم واریانس (VIF)
برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان $Pr(I_{i,t+1} = 1)$	۱/۳۵۴	۱/۶۶۳	۰/۰۹۶	۲/۲۸۱
برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود $Pr(I_{i,t+1} = 3)$	-۱/۰۵۰	-۱/۶۶۵	۰/۰۹۶	۲/۴۰۱
اندازه شرکت	-۳/۲۲۰	-۴/۷۱۲	۰/۰۰۰	۱/۲۲۰
اهرم مالی	-۲۹/۱۴۰	-۴/۶۵۱	۰/۰۰۰	۱/۱۳۹
مالکیت نهادی	۱/۰۸۳	۳/۰۵۴	۰/۰۰۲	۱/۰۶۹
استقلال هیأت مدیره	-۱/۰۵۴	-۲/۲۰۰	۰/۰۲۸	۱/۰۳۰

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال بود که: "آیا دستکاری سود، به عنوان یک رفتار مدیریتی مبتنی بر ریسک، از الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک پیش‌بینی شده

توسط تئوری چشم‌انداز تجمعی پیروی می‌کند؟". به منظور دستیابی به این هدف دو فرضیه مطرح شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول بیانگر تأثیر مثبت و معنادار متغیر برآورد مدیریت از احتمال وقوع زیان نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت بر دستکاری سود است. به عبارت دیگر، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال وقوع زیان نسبت به نقطه مرجع را بالا برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال پایین باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است. از این رو، فرضیه اول پژوهش پذیرفته شد. یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم بیانگر تأثیر منفی و معنادار متغیر برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود نسبت به میانگین عملکرد رقبا در صنعت، بر دستکاری سود است. به عبارت دیگر، احتمال دستکاری سود در شرایطی که مدیر احتمال دستیابی به سود نسبت به نقطه مرجع را پایین برآورد کند، بالاتر بوده و در شرایطی که این احتمال بالا باشد، احتمال دستکاری سود پایین‌تر است. از این رو، فرضیه دوم پژوهش پذیرفته شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش مصلح شیرازی و همکاران (۱۳۹۲)، فانگ (۲۰۱۵) و پترو و پروکوپو (۲۰۱۶) مطابقت داشته و با نتایج پژوهش رهروی دستجردی و همکاران (۱۳۹۸) مغایرت دارد. نتایج حاصل از بررسی تأثیر متغیرهای کنترلی نیز بیانگر تأثیر منفی و معنادار اندازه شرکت، اهرم مالی و استقلال هیأت مدیره و تأثیر مثبت و معنادار مالکیت نهادی بر دستکاری سود است.

از این رو، نتایج این پژوهش بیانگر این است که تئوری چشم‌انداز تجمعی با ارائه الگوی چهار جانبه نگرش نسبت به ریسک قادر به تبیین و پیش‌بینی رفتار دستکاری سود در مدیران است. به عبارت دیگر، نتایج پژوهش حاکی از آن است که بر خلاف تئوری نمایندگی که عموماً مدیر را شخصی ریسک‌گریز فرض می‌کند و یک تابع مقعر را برای مطلوبیت مورد انتظار مدیران در نظر می‌گیرد، ریسک‌گریزی و ریسک‌پذیری مدیران در رفتار مبتنی بر ریسک دستکاری سود بستگی به برآورد مدیریت از احتمال دستیابی به سود یا وقوع زیان نسبت به عملکرد مرجع یعنی میانگین عملکرد صنعت دارد. این بدین معنا است که در صورتی که مدیر احتمال اینکه عملکرد پایین‌تری نسبت به میانگین عملکرد صنعت داشته باشد را بالا برآورد کند احتمال دستکاری سود و متحمل شدن ریسک ناشی

از آن بالا خواهد بود. همچنین در صورتی که مدیر این احتمال را پایین برآورد کند احتمال دستکاری سود پایین خواهد بود و مدیر ریسک گریز خواهد بود. افزون بر این، در صورتی که مدیر احتمال اینکه عملکرد بالاتری نسبت به میانگین عملکرد صنعت داشته باشد را پایین برآورد کند احتمال دستکاری سود و متحمل شدن ریسک ناشی از آن بالا خواهد بود و در صورتی که مدیر این احتمال را بالا برآورد کند احتمال دستکاری سود پایین خواهد بود و مدیر ریسک گریز خواهد بود. همچنین نتایج این پژوهش حاکی از زیان‌گریزی مدیران در رفتار دستکاری سود است. از این رو، می‌توان استدلال نمود که مدیران بیش از اینکه ریسک‌گریز باشند زیان‌گریز هستند. نتایج این پژوهش بر این امر دلالت دارد که استفاده از نظریه‌های روانشناسی می‌تواند در تبیین تصمیم‌گیری‌های مدیران مفید و مؤثر واقع گردد. از این رو، استفاده از تئوری‌های بر پایه علم روانشناسی که چگونگی تأثیر احساسات و ترجیحات روانشناختی افراد را بر شیوه تصمیم‌گیری آنها مورد بررسی قرار می‌دهد در بسیاری از مباحث حسابداری راهگشا است. از این رو، نتایج این پژوهش منجر به گسترش دانش در حوزه پژوهش‌های رفتاری در حسابداری می‌گردد و از لحاظ کاربردی می‌تواند نگرش خوبی نسبت به رفتار مدیران در حساب‌برسان، سهامداران و سایر افراد ذینفع در شرکت‌ها و قانونگذاران فراهم آورد.

در این پژوهش محدودیت‌هایی نیز وجود داشت که در تحلیل و تفسیر و تعمیم‌دهی باید به آنها توجه نمود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به مواردی مانند عدم وجود معیار مشخصی برای تعیین شرکت‌های دستکاری‌کننده سود اشاره نمود. همچنین متغیرهای این پژوهش متأثر از برخی عوامل کلان مانند تورم و حمایت دولت است که فرض شده اثر آنها بر همه شرکت‌ها و مشاهدات یکسان است در حالی که ممکن است در واقعیت اینگونه نباشد. همچنین در این پژوهش شرکت‌هایی که دارای وقفه معاملاتی بوده‌اند، به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات آنها در یک یا چند سال از شرکت‌های مورد بررسی پژوهش حذف شدند، این در حالی است که دستکاری سود در این شرکت‌ها می‌تواند فراوانی بیشتری داشته باشد و تحت تأثیر انگیزه‌های متفاوتی قرار گیرد.

بر این اساس، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که با بهره‌گیری از سایر نظریه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی رفتارهای مدیران و استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی را تشریح نمایند. همچنین به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که این پژوهش را با استفاده از ابزار پرسشنامه و با استفاده از سناریو نیز مورد بررسی قرار دهند. افزون بر این، به بررسی انگیزه مدیران در هموارسازی سود از منظر تئوری چشم‌انداز بپردازند و چسبندگی هزینه‌ها را از این منظر مورد بررسی قرار دهند.

ORCID

Fahime Ebrahimi



<https://orcid.org/0000-0002-9148-7701>

Mohammad Hossein Setayesh



<https://orcid.org/0000-0003-3947-533X>

Hamidreza Zareifard



<https://orcid.org/0000-0002-6829-2607>

منابع

- پمپین، میشل ام. (۱۳۸۸). *دانش مالی رفتاری و مدیریت دارایی*. (احمد بدری). تهران: شرکت انتشارات کیهان. (۱۹۶۳).
- پورحیدری، امید و سمیعی نژاد، نفیسه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ساختار حاکمیت شرکتی بر گزارشگری مالی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۴(۱)، ۵۳-۸۰.
- حساس یگانه، یحیی، شعری، صابر و خسرونژاد، سید حسین. (۱۳۸۷). رابطه سازوکارهای حاکمیت شرکتی، نسبت بدهی‌ها، اندازه شرکت با مدیریت سود. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۶(۲۴)، ۷۹-۱۱۵.
- دیانتی دیلمی، زهرا و ملک محمدی، هادی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ویژگی‌های نظام راهبری شرکت بر کیفیت اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، ۴(۱۳)، ۱۵۱-۱۷۰.
- رحیمیان، نظام‌الدین و حاجی حیدری، راضیه. (۱۳۹۸). کشف تقلب با استفاده از مدل تعدیل شده بنیش و نسبت‌های مالی، *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۸(۳۱)، ۴۷-۶۹.
- رهروی دستجردی، علیرضا، فروغی، داریوش و کیانی، غلامحسین. (۱۳۹۸). انطباق انگیزه‌های تقلب در مدیران با الگوی نظریه چشم‌انداز تجمعی از طریق تجزیه و تحلیل متن. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۲)، ۷۳-۱۰۲.
- سعیدی، علی و فرهانیان، سید محمدجواد. (۱۳۹۰). *مبانی اقتصاد و مالی رفتاری*، تهران: سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت اطلاع‌رسانی و خدمات بورس.
- صدر اصفهانی، آریو و ثقفی، علی. (۱۳۹۱). پیامدهای دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۰(۳۴)، ۱-۳۲.
- عبداللهی، احمد، ریاحی، فاطمه و رضائی پیتنه‌نویی، یاسر. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌کنندگی هویت سازمانی بر رابطه بین پاداش مدیران مالی و دستکاری سود. *حسابداری ارزشی و رفتاری*، ۵(۱۰)، ۲۰۱-۲۳۰.

- مصلح شیرازی، علی نقی، نمازی، محمد، محمدی، علی و رجبی، احمد. (۱۳۹۲). تئوری چشم‌انداز و مدل‌سازی الگوی تصمیم‌گیری مدیران در بخش صنعت. *چشم‌انداز مدیریت صنعتی*، ۳(۲)، ۹-۳۳.
- مقدم، عبدالکریم و قدردان، احسان. (۱۳۹۸). بررسی عوامل مؤثر بر عدم دستکاری سود توسط مدیریت. *مطالعات حسابداری و حسابرسی*، ۸(۳۱)، ۵۹-۷۴.
- مهدوی، غلامحسین و رضالویی، عباس. (۱۳۹۵). بررسی مدیریت سود برای جلوگیری از گزارش زیان و کاهش سود و کاربرد نظریه چشم‌انداز برای تشریح انگیزه‌های آن. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۸(۲)، ۱۹۱-۲۲۳.
- نمازی، محمد. (۱۳۸۴). بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۲۲(۲)، ۱۴۷-۱۶۴.
- ولیان، حسن، عبدلی، محمدرضا، استادهاشمی، علی و طهماسبی‌زاده، رضا. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر ثبات مدیریتی بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۹(۳)، ۲۴۵-۲۷۵.

References

- Barberis, N. C. (2013). Thirty Years of Prospect Theory in Economics: A Review and Assessment. *Journal of Economic Perspectives*, 27(1), 96-173.
- Beneish, M. D. (1999). Incentives and Penalties Related to Earnings Overstatements that Violate GAAP. *The Accounting Review*, 74(4), 425-457. <https://doi.org/10.2308/accr.1999.74.4.425>
- Cho, C. H., Huang, Z., Liu, S., & Yang, D. (2021). Contaminated Heart: Does Air Pollution Harm Business Ethics? Evidence from Earnings Manipulation. *Journal of Business Ethics*, 1-22. <https://doi.org/10.1007/s10551-021-04762-y>
- Chu, J., Dechow, P. M., Hui, K. W., & Wang, A. Y. (2019). Maintaining a Reputation for Consistently Beating Earnings Expectations and the Slippery Slope to Earnings Manipulation. *Contemporary Accounting Research*, 36(4), 1966-1998. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12492>
- Fung, M. K. (2015). Cumulative Prospect Theory and Managerial Incentives for Fraudulent Financial Reporting. *Contemporary Accounting Research*, 32(1), 55-75. <https://doi.org/10.1111/1911-3846.12074>

- Kahneman, D., & Tversky, A. (1979). Prospect Theory: An Analysis of Decision under Risk. *Econometrica*, 47(2), 91–263. https://doi.org/10.1142/9789814417358_0006
- Petrou, A. P., & Procopiou, A. (2016). CEO Shareholdings and Earnings Manipulation: A Behavioral Explanation. *European Management Review*, 13(2), 137-148. <https://doi.org/10.1111/emre.12073>
- Shen, C. H., & Chih, H. L. (2005). Investor Protection, Prospect Theory, and Earnings Management: An International Comparison of the Banking Industry. *Journal of Banking & Finance*, 29(10), 2675-97. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2004.10.004>
- Svabova, L. (2021). Detecting the manipulation of earnings in the company: triangulation of methods. In SHS Web of Conferences (Vol. 92). EDP Sciences. <https://doi.org/10.1051/shsconf/20219202061>
- Takemura, K. (2019). Nonlinear Utility Theory and Prospect Theory: Eliminating the Paradoxes of Linear Expected Utility Theory. In *Foundations of Economic Psychology* (pp. 83-119). Springer, Singapore. https://doi.org/10.1007/978-981-13-9049-4_4
- Tversky, A., & Kahneman, D. (1992). Advances in Prospect Theory: Cumulative Representation of Uncertainty. *Journal of Risk and Uncertainty*, 5(4), 297–323. <https://doi.org/10.1007/BF00122574>
- Wasiuzzaman, S., Sahafzadeh, I., & Nejad, N. R. (2015). Prospect Theory, Industry Characteristics and Earnings Management. *Review of Accounting and Finance*, 14 (3), 324-347. <https://doi.org/10.1108/RAF-07-2014-0075>
- Abdollahi A, Riahi F, & Rezaei Pitenoei Y. (2021). Investigating the Moderating role of Organizational Identity on the Relationship between Managerial Compensation and Earnings Manipulation. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 5 (10):230-201. doi: 10.52547/aapc.5.10.230 [In Persian]
- Dianati Deylami, Z., & Malek Mohammadi, H. (2013). Assessment of Effect of Corporate Governance Attitudes on Financial Information's Quality of the Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Knowledge Accounting*, 4(13), 151-170. doi: 10.22103/jak.2013.561 [In Persian]
- Hassas Yeganeh, Y., Sheri, S., & Khosrownejad, H. (2008). Corporate Governance Mechanisms, Debt Ratio, Firm Size and Earnings Management. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 6(24), 79-115. [In Persian]
- Mahdavi, G., & Rezalouei, A. (2017). An Investigation of Earnings Management to Avoid Losses and Earnings Decreases and the implementation of Prospects Theory to explain its motives. *Journal of Accounting Advances*, 8(2), 191-223. doi: 10.22099/jaa.2017.4056 [In Persian]

- Moghaddam, A., & Ghadrnan, E. (2019). Investigating the Factors Affecting Unmanaged Profit by Management. *Accounting and Auditing Studies*, 8(31), 59-74. doi: 10.22034/iaas.2019.99057 [In Persian]
- Mosleh Shirazi, A., Namazi, M., Mohammadi, A., & Rajabi, A. (2013). Prospect Theory and Modeling Industrial Manager Decision Making Pattern. *Journal of Industrial Management Perspective*, 3(2), 9-33. [In Persian]
- Namazi, M. (2005). Investigating the applications of agency theory in management accounting, *Journal of Accounting Advances*, 22(2), 147-164. doi: 10.22099/jaa.2005.3477 [In Persian]
- Pompian, M. M. (2009). Behavioral Finance & Wealth Management. (Badri, A.). Tehran: Kayhan Publication. (1963). [In Persian]
- Pourhaidari, O., & Samieenejad, N. (2015). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Applied Research in Financial Reporting*, 4(1), 53-80. [In Persian]
- Rahimian, N., & Hajiheydari, R. (2019). Fraudulent Financial Statement detection Using: Adjusted-M-score-Beneish models and financial ratios. *Empirical Research in Accounting*, 9(1), 47-70. doi: 10.22051/jera.2018.15993.1713 [In Persian]
- Rahrovi Dastjerdi, A., foroghi, D., & Kiani, G. (2020). The Conformity of Fraud Incentives in Managers with Cumulative Prospect Theory Pattern through Text Analysis. *Empirical Research in Accounting*, 9(4), 73-102. doi: 10.22051/jera.2018.17252.1791 [In Persian]
- Sadr Esfahani, A., & Saghafi, A. (2011). Consequence of Real Earnings Manipulation on Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 9(34), 1-32. [In Persian]
- Saeedi, A. & Farhanian, M. (2011). Fundamental of Behavioral Economics & Finance, Tehran: Security & Exchange Organization, Exchange Information and Services Company. [In Persian]
- Valiyan, H., Abdoli, M., Ostadhashemi, A., & Tahmasebi, R. (2019). Managerial Entrenchment and Earnings Management. *Empirical Research in Accounting*, 9(3), 245-275. doi: 10.22051/jera.2018.19545.1973 [In Persian]

استناد به این مقاله: ابراهیمی، فهیمه. ستایش، محمد حسین. زارعی فرد، حمیدرضا (۱۴۰۰). تبیین انگیزه رفتاری

مدیران در دستکاری سود از منظر تئوری چشم‌انداز تجمعی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۷۰ (۱۸) ۲۹-۵۳

doi: 10.22054/qjma.2021.57430.2212



Empirical Studies in Financial Accounting Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License.

DOI: 10.22054/qjma.2021.57430.2212